*بسم الله الرحمن الرحیم*

**6-** "**تحفۀ تو، کفن من!**"

نوشته: انجنیر محمد نذیر تنویر، هالند

در حاشیه کنفرانس قطر، چشم دید ها، تجربیات، شناسایی بحران، و راهکرد های عملی رفع بحران از برای نشست های آینده

Author & Graphic Design: M.N.Tanwir

****

**بخش ششم:**

ادامه بحث **«شناسایی بحران کشور»:**

* **ای عزیزان**! بدانید که پیروزی در گرفتن قصر ها و منصب ها نیست؛

مجاهدین همین حالا؛ در عدم «سلطۀ نظام»، در عدم «منصب و مقام» و در عدم «همکاری دیگران»، پیروز هستند:

«**در میان مؤمنان، مردانی هستند که به پیمانشان با الله، صادقانه وفا کردند؛ برخی از آنان پیمانشان را به انجام رسانیدند**(و به شهادت رسیدند)، **و بعضی دیگر در انتظار**(شهادت) **هستند؛ و هیچ دگرگونی و تغییری**(در پیمانشان) **نیاورده اند**.»**﴿الأحزاب:23﴾**

فراموش نباید کرد که:

**حق دیگران را غصب کردن، ظلم است!**

زورمندان نباید ناجوانمردانه و منافقانه در برابر کمترین حق ما، عمل نمایند:

این حق مسلم ملت ماست، تا در برابر «**متجاوزین**» از خود دفاع نمایند؛

دفاع از خود، در تمامی اندیشه هاو آئین ها،«مقدس» شمرده شده، که در «قانون آسمانی» به «**جهاد**» مسمی گردیده است!

«**جهاد**» را «**جنگ**» نامیدن، و «**مجاهدین**» را «**جنگجویان مسلح**» نامیدن، جفا و ظلمی بزرگیست!

فرق نمی کند که در چه اندیشه و آئینی قرار داریم؟ باید مردانه بر کیش خود استوار بمانیم و از «**بازی با واژه ها**» بپرهیزیم!

این یک نوع بی حیایی و دیده درایی خواهد بود که «**مادیون**» از خسته شدن «**مجاهدین**» صحبت می نمایند!

نباید فراموش کرد که «**جهاد**» سد محکمی در برابر ظلم زورگویان و ستمگران می باشد، که همچو باران تا ختم «حیات بشری» ادامه خواهد داشت، و«**مجاهدین**» در این مسیر، نه خسته خواهند شد، و نه «**صبر و استقامت**» خویش را از دست خواهند داد؛

چونکه توکل ایشان به یگانه «قدرت مطلق»، ناظر بر امور بندگان در هرکجایی که باشند **(وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ)**، و خالق هستی«**الله** جل جلاله» گره خورده است.

پس «**مجاهدین**» در هر دو حالت پیروز و خوشبختند هستند، چه «**شهید**» شوند، و چه اشغالگران را از کشور شان برهانند؛

خوشبختی ابدی ایشان، بستگی به «**صبر و استقامت**» ایشان تا پایان امتحان نهایی دارد که ثمره اش در همین دنیا نیز هویداست.

بلی، ثمره اش هویداست که:

**نیکان از ایشان به نیکی یاد می دارند، و بدان از ایشان به بدی نام می برند!**

هر دو گرده در غنای حسنات ایشان سعی دارند:

«**نیکو نامیدن**»، گروه نیکان- دعایست از برای رفعت درجات ایشان؛

وَاجْعَل لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ  ﴿الشعراء:[٨٤](http://www.islamqt.com/fa/#26:84)﴾

*و (با توفیق در طاعت و عبادت و اعمال نیک و مجاهدت) برای من ذکر خیر و نام نیک در میان آیندگان برجای دار!*

و «**بدگویی**»، گروه بدکاران- جریمۀ ست از حسنات آنها، در «**رفعت درجات**» ایشان!

فراموش نباید کرد که:

ما ملت خیلی رنجکشیده و مظلومی هستیم؛

این جا جنگ «**احزاب**» ادامه دارد؛

اتحاد نامتجانس از «**کمونیسم** تا **کاپیتالیسم**»، از «هندویزم تا بودایزم»، از «نصارا تا یهود»، از «بندگان هوای نفس تا منافقین» ووو...

معلوم نیست که گناه این ملت مظلوم چه بوده، که این اتحاد نامتجانس در برابرش شکل یافته است!؟

شاید کمتر کشوری را در تاریخ سراغ داشته باشیم که بیش از چهار دهه، قامت اش در برابر این «**اتحاد نامتجانس**» خم نگردیده باشد!

**بلی! ما ملت خیلی رنجکشیده و مظلومی هستیم که با رنج ها خویش، بهتر از دیگران آشنایی داریم:**

* ما بهتر می دانیم که رنج «**شهید ساختن**» فرزندان ما، به مراتب کمتر از رنج «**معتاد ساختن**» ایشان است؛
* ما بهتر می دانیم که رنج «**فقر و غربت**» ما، به مراتب کمتر از رنج «**فساد و فحشا**» می باشد؛
* ما بهتر می دانیم و آشنا هستیم که با نعمت «**دین**»، چگونه دفاع از خویش را به «**صلح**» مبدل سازیم. اما متجاوزین از محرومیت های مادی ما سوء استفاده برده، و سعی میدارند تا «**دین**» را از ما بربایند، و با تشدید جنگ و طولانی ساختن آن؛ در پهلوی منفعت برداری همیشگی شان، پرده بر جنایات شان بکشند؛
* ما بهتر می دانیم و در عمل نیز نشان داده ایم که چگونه زندان های خویش را خالی از مجرمین گردانیم، اما بیگانگان بر ما تجاوز می کنند و بعداٌ سرنوشت ما را بدست چند قاتل و مفسد می سپارند؛
* ما بهتر می دانیم و در عمل نیز نشان داده ایم که چگونه مزرعه های خویش را از کوکنار به گندم مبدل سازیم، اما بیگانگان بر ما تجاوز کردند تا رونق تجارت شان ورشکست نشود! آیا در هلمند صحنه های انفجار تانک نیرو های اشغالگر انگلیس، و پاشان شدن خریطه های هیروین را، اینقدر زود از خاطره های خویش بردم؟

بلی، متجاوزین و ماموران داخلی شان به این درک رسیده اند، اما برای پوشانیدن جنایات شان (همچو شوروی متوفی) به خدعه و نیرنگ روی می آورند.

دیگر فرزندان اصیل این خطه با درد ها بزرگ شده اند، و بهتر از دیگران با آن درد ها بلد هستتند؛

حال که «**طالبان**» در صدد «**صلح**» اند، طرف مقابل سعی بر«**معامله گری**» دارند.

ما میدانیم، و خوبتر و بهتر از بیگانگان می دانیم که فرق «**صلح** و **معامله**» در چیست؛

**چون دین ما، دین «صلح» است، و** «**معامله**» **بر سرنوشت ملت،** «**ظلم بزرگ**» **و نابخشودنی خواهد بود!**

اسلام نه دین معامله گری است، و نه معتقد به پایمال ساختن حقوق دیگران می باشد؛

نه در خیال وسعت بخشیدن حدود اربعه اش می باشد، و نه در صدد غصب و دزدی مال دیگران (ولو کافر) می باشد؛

نه اندیشه ها را با جبر و اکرا بسویش می کشاند، و نه معتقد به قصاص از غیر مجرم **(حادثه 11 سپتامبر 2001)** می باشد!

**بلکه اسلام دینی از برای بشریت می باشد**؛

دینی رحمت، نه تنها از برای «اِنس»، بلکه از برای «عالمیان» می باشد؛

دینی از برای تفاهم و صلح است؛

دینی از برای نجات بشر می باشد، وگرنه:

ظلمی را که متجاوزین بر مسلمانان ما روا داشتند و تاهنوز ادامه دارد، باید اصلاٌ روی خویش را به روی شان نمی زدیم؛ و منتظر فرصت انتقام جویی می ماندیم. اما اسلام دین انتقام گیری و عمل بالمثل نیست.**(طالبان آزاد شده از گوانتانامو)**

{مثال زنده آن در همین نشست های «**صلح**» با متجاوزین، و نشست های «**تفاهم بین الافغانی**» با اجیران و ماموران متجاوزین می باشد!

مگر «بصیرت حق» کجا شد؟

آیا نمی بینیم که بدور میز مذاکرات «**صلح**»؛ در برابر متجاوزین، کدام افراد حضور دارند؟

این چه نوع بصیرتی ست، که از درک چنین مطلب ساده، عاجز و ناتوان مانده است!؟

همان های را که حیات دنیوی را بر ایشان تنگ ساختند، و اسم تروریست را پیشوند نام های شان گردانیدند، و در بدترین زندان ها ایشان را بستند، امروز در برابر شان می یابند. و این طرف که؛ ذره ذره از مسامات وجود شان با ظلم و وحشت طرف مقابل آشنا می باشد، بدون هیچگونه کدورت و حس انتقام جویی حاضر به مذاکره می شوند، و بدون امتیاز گیری و تاوان حقوق پایمال شده فردی شان، فقط به «حق غصب شده» ملت شان، اکتفا می ورزند، و چیزی دیگری را از متجاوزین طلب نمی دارند.

آیا این آیات الهی نیست؟

آیا ذلیل ساختن، و عزت بخشیدن، از جانب پروردگار رقیب نیست؟

آیا نمی بینیم که بدور میز «**تفاهم بین الافغانی**» چه افرادی در برابر اجیران متجاوزین قرار دارد!؟

پس کجا شد «**بصیرت حق**»؟!

زمانی که چشم هایم به چهره **مولوی نورالله نوری** خیره گشت، خاطرات تکان دهندۀ «**سمت شمال**» به نظرم مجسم گشت:

بلی، شانزده هزار مجاهدی که به وساطت و ضمانت به اصطلاح **سازمان ملل متحد**، دست از مقاومت کشیدند، و ناجوان مردانه و وحشیانه؛ که تاریخ نظیر آنرا کمتر سراغ دارد، از دم تیغ کشیده شدند!

بلی، **خاطرات تکان دهندۀ زندان شبرغان، قلعۀ چنگی، دشت لیلی**، ووو... که تاهنور «اشک دیدگانم» از آن یاد و بود می نماید.

آیا این آیات الهی نیست؟

آیا مرگ و حیات در قدرت پروردگار نیست؟!

آیا ذلیل ساختن، و عزت بخشیدن، از جانب پروردگار رقیب نیست؟

کجا شد «**بصیرت حق**»؟!

چرا ضعف عقیده، توجه ما را به «**اسباب**» معطوف می دارد؟

چرا تاهنوز هم؛ پس از چهار دهه جهاد، عقیده ما نسبت به ذات **الله** جل جلاله مضبوط نمی گردد، و تاهنوزهم از برای رفع مشکلان خویش، در پی قوانین بشری هستیم؟!

عمق بحران کشور ما در همین نکته؛ یعنی دوری از «**شریعت الهی**»، نهفته است! هرچندی که؛ خالق هستی آیات اش را مکرراً برای ما آشکار می گرداند، اما توجیات مایان نسبت به آن گره خورده بر «**اسباب**» می باشد، نه به ذات الهی. همین مطلب است که «عمر اشغال» طولانی شده می رود، و کسانی که بر این مطلب آگاهی دارند، متهم به «**متحجر**» و «**عقب گرا**» می گردند.

پس بیرون برآمدن ار توجبه گرایی حالات بر مبنای «**اسباب**»، و پیوند عقیده نسبت به ذات الله سبحان تعالی، راه حل بحران کشور ما خواهد بود؛

کشوری که 99 درصد جمعیت آنرا مسلمانان تشکیل می دهد که بر دین شان عشق می ورزند!

بلی، به جز از حاکمیت «**شریعت الهی**»، کلیدی برای حل بحران کشورما وجود ندارد، و نه خواهد داشت، که همین پیوند با «**شریعت الهی**»، «**فرصت طلایی**» برای تمامی جناح می باشد!}

**ای عزیزان، بازهم تکرار میدارم که پیروزی در گرفتن قصر ها و منصب ها نیست؛**

به حال این ملت مظلوم باید دل بسوزانیم و از مسابقه، در گرفتن امتیازات دست برداریم. بلآخره «**خاک گور**» که در چند قدمی ما قرار دارد، نقطه پایانی این همه امتیاز طلبی های ما خواهد بود، که در آنصورت، ناچار و ناوقت خواهد بود!

پس از این «**فرصت طلایی**» باید تمامی جناح استفاده برند، و از برای نجات شان سعی نمایند، و فراموش نکنند که **عاقبت امور از متقیان است**!

جنگ فعلی کشورما، درست مانند جنگ «**احزاب**» می باشد، که سه گروه را دربرمی گیرد:

1. **مؤمنین**(کسانی که در برابر متجاوزین می رزمند)؛
2. **منافقین** که به دو گروه تقسیم می گردند: (گروه اول- «منافقین عقیدتی» که **الله** جل جلاله با ایشان معامله در دنیا و آخرت خواهد نمود، و کار مؤمنین، غیب گویی و دانستن غیب نیست. گروه دوم- «منافقین عملی» کسانی که همکاری مستقیم با متجاوزین دارد با آنها پیمان استراژیک می بندند، به آنها التماس به ماندن را می نمایند)؛
3. «**کفار متجاوز**» و متحدین شان!

«**الله** جل جلاله» در سخنان با عظمت اش در سوره احزاب آیات 23، 24 و 25 حالت این سه گروه را، و **عاقبت شان** را بیان داشته که بهترین راهگشا از برای رفع بحران کشور ما، و حتی از برای این مجمعه نیز می باشد!

اینکه چگونه می توانیم این راهگشای الهی را در شرایط کنونی کشور که آفت انواع منافقت دامنگیر آن است، سرمشق امور عملی خویش قرار دهیم، **در نشست بعدی** (یعنی طرق عملی رفع بحران کشور)**، ان شاء الله** آنرا روی بحث خواهیم کشاند.

ما باید با حکمت، و در پرتوی ارشادات الهی (کتاب و سنت) روش های عملی رفع بحران را چنان طراحی نمایم، تا نیات درون افراد و گروه ها بیرون آید، و سهولت برای مردم در تشخیص «**دلسوزان ملت**» فراهم گردد.

وَاللَّـهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿یوسف:[٢١](http://tanzil.net/#12:21)﴾

*و الله بر کار خود چیره و مسلّط است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.*

«**اللهم‌ مُنَزِلُ‌ الْكتاب، سريع‌ الحساب، اهزم‌ الاحزاب! اللهم‌ اهزمهم‌ وزلزلهم**»

«بار الها! اي‌ فرود آورنده‌ كتاب، و اي ‌زود شمارندۀ‌ حساب‌، **احزاب‌ را شكست‌ بده‌**! بارالها! آنان‌ را شكست‌ ده‌ ومتزلزل‌ گردان‌».

آمین یا رب العامین!

**«سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»**

«خداوندا! پاکى تو را بیان مى‌کنم، و تو را ستایش مى‌نمایم، و گواهى می‌دهم که بجز تو، دیگر معبودى «به حق» نیست، از تو طلب مغفرت مى‌کنم، و در حضورت توبه می‌نمایم».

**بخش هفتم:**

**طرق عملی رفع بحران کشور:**

**الحمد لله رب العالمين...**

(منتظر ادامه مطلب در بخش هفتم بمانید)

**نوت:** بخش های قبلی را می توانید روی این لینک دریابید:

بخش اول:

<http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P1.pdf>

بخش دوم:

<http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P2.pdf>

بخش سوم:

<http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P3.pdf>

بخش چهارم:

<http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P4.pdf>

بخش پنجم:

<http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P5.pdf>